



فلسوف‌های کوچک و تصمیم‌های بزرگ / چرا فلسفه برای کودکان مهم است؟

آموختن فلسفه به کودکان به معنی یاد دادن درست فکر کردن به آن‌ها است...

آموختن فلسفه به کودکان به معنی یاد دادن درست فکر کردن به آن‌ها است. چیزی که باعث می‌شود همیشه انتخاب‌های بهتری داشته باشند و کمتر خطا کنند. این ابزار می‌تواند در آینده خیلی به درد بچه‌ها بخورد و حتی باعث بهتر شدن جامعه‌ای می‌شود که این بچه‌ها آن را می‌سازند. اینکه بتوانند تفکر مستقلی داشته باشند، نظرات مختلف را بشنوند و تحلیل کنند، نظرات مخالف را حل‌جایی و رد یا تایید کنند از ارمغان‌های یاد گرفتن فلسفه در دوران کودکی است.

ایسناپلاس: ما به عنوان والدین خیلی تلاش می‌کنیم که بتوانیم فرزندانمان را آماده کنیم تا در جامعه آینده با تصمیم‌های درست بتوانند زندگی خوبی داشته باشند. اما چقدر از اهمیت فلسفه در زندگی آن‌ها آگاهیم؟ باید بدانیم فلسفه برای کودکان به دوران بچگی آن‌ها اعتبار می‌دهد و می‌گوید این طور نیست که بچگی دوره آمادگی برای بزرگسالی باشد، بلکه خودش یک دوره قابل توجه است. در همین رابطه با خانم «زهره شکیب مهر»، مدرس فلسفه به کودکان (فبک)، به گفت‌وگو نشستیم تا از اهمیت فلسفه برای کودکان و چگونگی آموزش آن به بچه‌ها برایمان بگوید.

چرا فلسفه به درد بچه‌ها می‌خورد؟

خانم شکیب مهر به عنوان کسی که مدتی است در حوزه آموزش فلسفه به کودکان فعالیت می‌کند، حرف‌های جالبی در این باره برای ما دارد. آموزش فلسفه به کودکان با آنچه ما در ذهن داریم متفاوت است. بچه‌ها در این دوره‌ها نحوه درست فکر کردن و استقلال فکری داشتن را می‌آموزند. خانم شکیب مهر درباره خود فلسفه و اینکه چرا فکر می‌کند فلسفه به درد بچه‌ها می‌خورد به ما این طور می‌گوید: «ما به عنوان انسان وقتی چشم به این جهان باز می‌کنیم هیچ مفهومی نداریم و در واقع چیزی را در جهان نمی‌شناسیم و اولین بار به شکل ناشناخته با مسائل روبه‌رو می‌شویم. ما از چیزهایی که در این جهان وجود دارد مانند دوستی، طرد شدن، دوست داشته شدن و همه مفاهیم دیگری که وجود دارد، به مرور زمان یک شکلی برای خودمان می‌سازیم و انگار فایل آن مفاهیم را در ذهن خودمان ایجاد می‌کنیم. ما جهان را با توجه به بستری که داریم در آن بزرگ می‌شویم، مدرسه‌ای که می‌رویم، رفتاری که مراقبان اولیه ما با ما دارند، اگر خواهر و برادر داشته باشیم رفتاری که آن‌ها با ما دارند و این دست مسائل به شکل خاصی می‌شناسیم و تا بزرگسالی هم این روند ادامه دارد. هر موضوعی انگار یک جایی برای ما تمام می‌شود و مثلاً تصمیم می‌گیریم فکر کنیم احترام گذاشتن یعنی فلان رفتار یا دوستی یعنی یک چیز دیگر و خلاصه برای هر چیز یک تعریفی پیدا می‌کنیم.

فلاسفه در مواجهه با موضوعات مختلفی که راجع به آن نظریه پردازی می‌کنند اولین کاری که می‌کنند این است که ذهنشان را از هر تعریفی که نسبت به ماجرا دارند خالی می‌کنند. چرا؟ تا در مورد آن موضوع دچار سوال نشوند. حالا یا اول دچار سوال می‌شوند و بعد ذهنشان را از مفاهیم خالی می‌کنند یا قبل از آن. به هر شکل فلاسفه و دانشمندان وقتی که دچار حیرت یا سوال می‌شوند شروع به فکر کردن راجع به آن چیز می‌کنند. اساساً آغاز تفکر با سوال است. حالا چرا ما می‌گوییم بچه‌ها فیلسوف‌های کوچک‌اند؟ به خاطر اینکه ذهنشان خالی از هر مفهومی است. یعنی وقتی بچه‌ای درباره دوستی می‌پرسد، واقعا منظورش سوال راجع به آن مفهوم است و می‌خواهد این معنا را برای خودش بسازد.»

بچه‌ها فیلسوف‌های کوچک‌اند

بچه‌ها درباره خیلی از مفاهیم هنوز درکی پیدا نکرده‌اند و این باعث می‌شود برای شناخت جهان اطرافشان زیاد سوال بپرسند. وقتی یک کودک درباره یک مسئله سوالی می‌پرسد، پیشفرضی نسبت به آن موضوع ندارد و واقعا دنبال کشف دنیای پیرامون خود است. خانم شکیب مهر معتقد است بچه‌ها به همین جهت شباهت زیادی به فیلسوف‌ها دارند. او به ما می‌گوید: «بچه‌ها از این نظر شبیه فلاسفه‌اند که سوال می‌پرسند، سوال‌هایشان واقعی است و می‌خواهند مفهوم بسازند. وقتی که این مفاهیم را در کنار هم قرار می‌دهند، با ترکیب کردن یا جدا کردن یا پیوند زدن این مفاهیم بهم نظریه پردازی می‌کنند. مثلاً یک سگ می‌بیند که چهارتا پا، دم، یک رنگ خاص و پوزه دارد و مثلاً گوش‌هایش این شکلی است. بعد می‌شنوند که دیگران به این موجود سگ می‌گویند و چنین مفهومی را در ذهنشان فایل بندی می‌کنند. بعد از آن وقتی یک اسب می‌بینند هم فکر می‌کنند این یک سگ بزرگ است! ما بزرگسال‌ها بهشان می‌گوییم این یک سگ بزرگ نیست، این اسب است. اینجا چیزی که

اتفاق می افتد این است که آن کنار هم گذاشتن و نتیجه گرفتن از داده های مغزی و آنچه در ذهن بچه راجع به این مفهوم وجود دارد دیگر قطع می شود و این گونه نظریه پردازی و تفکر خلاقانه جایگزین را به الگوگرفتن، سوال کردن از بزرگ ترها، منتظر دستورالعمل بودن و نتیجه محور بودن می دهد. اینجا جایی است که ما آدم ها نظریه پردازی مان را از دست دادیم.»

ابزاری برای انتخاب های بهتر

خانم شکیب مهر به اهمیت درست فکر کردن در بین کودکان اشاره می کند. او معتقد است آنچه به بچه ها کمک می کند انتخاب بهتری داشته باشند، همین درست فکر کردن است و اگر در کودکی این را به بچه ها یاد بدهیم، آینده بهتری خواهند داشت: «مسئله بعدی این است که ما می خواهیم برای این موجودات یک آینده خوب متصور شویم. ما می خواهیم بچه هایمان موفق باشند، خوب تصمیم بگیرند، انتخاب های معقولانه داشته باشند، قضاوت های درست داشته باشند و از فضا و بستری که دارند بتوانند حداکثر استفاده را بکنند. خب اول باید بدانیم با چه موجوداتی طرف هستیم و بفهمیم بچه ها این شکلی اند، حالا برای اینکه آن ها بتوانند قضاوت درست داشته باشند، کمکشان کنیم تا درست انتخاب کنند. زندگی آدم ها از انتخاب هایشان تشکیل شده است. لحظه ای در زندگی نیست که ما بین یک چیز و یک چیز دیگر در حال انتخاب کردن نباشیم؛ حتی وقتی سکوت کرده ایم یا وقتی هیچ کاری نمی کنیم هم ما این را انتخاب کرده ایم که سکوت کنیم یا هیچ کاری نکنیم. در واقع دستاورد آن انتخاب را سنجیده ایم، هزینه ای که دارد را هم سنجیده ایم و بعد انتخاب کرده ایم.

حالا ما می خواهیم بچه ها بتوانند درست فکر کنند تا در این لحظات درست انتخاب کنند و درست تصمیم بگیرند. این در واقع چیزی است که تمام زندگی شان را پوشش می دهد. ما باید مهارت های درست فکر کردن که بچه ها دارند و فقط لازم است خرابش نکنیم را تقویت کنیم و استفاده از این ابزارها را با آن ها تمرین کنیم. فرق یک تعمیرکار با آدمی که بلد نیست چیزی را تعمیر کند در بلد بودن استفاده از ابزارها و زیاد استفاده کردن از آن ها است. ما می خواهیم بچه ها از این ابزارهای فکری تمرین کنند که استفاده کنند، ضمن اینکه تفکر خلاق، نظریه پردازی و سوال کردنشان خراب نشود.»

آنچه از فلسفه به کودکان باید آموخت

گفتیم بچه ها فیلسوف های کوچک هستند اما قرار نیست هر آنچه از فلسفه می دانیم به آن ها بیاموزیم. برخلاف آنچه برخی فکر می کنند، آموزش فلسفه به کودکان در عین حساسیت هایی که دارد چیز سخت و پیچیده ای نیست. نکاتی که به بچه ها آموزش داده می شود نه تنها آن ها را خسته نمی کند بلکه باعث رشد فکری آن ها می شود و آینده بهتری را برای آن ها رقم خواهد زد. خانم شکیب مهر به ما از آنچه به بچه ها آموزش داده می شود می گوید: «آنچه در فلسفه برای کودکان تقویت می شود، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، تفکر مراقبتی و تفکر همکاری و کارگروهی است که در همه آن ها حتی در تفکر مراقبتی هم به اجتماع تاکید می شود. به طور کلی ما در فلسفه برای کودکان تاکیدمان بر اجتماع محوری است نه خودمحوری. انسان ذاتا دچار خودمحوری است؛ اینکه به دیگران گوش بدهد، اگر حرفی مخالف افکارشان شنیدند در نظرات خودشان تجدید نظر کنند یا اگر همچنان مخالف بودند، با احترام مخالفتشان را اعلام کنند. حتی وقتی با حرفی موافق هستند، موافقتشان را با تقدیس اعلام نکنند. فکر نکنند هرکس نظر موافق با من داشت، باید با همه نظراتش موافقت کنم و هرکس نظرش با من مخالف بود باید با کل وجودش مخالفت کنم. در واقع بچه ها در این اجتماع یاد می گیرند برای جمع بایستند نه فقط برای خودشان. وقتی که درباره زندگی اجتماعی یا اجتماع حرف می زنیم (چه ده نفر باشد، چه صد نفر، چه هزار نفر و چه یک میلیون نفر) باید بدانیم ما وقتی موفق می شویم که تک تک اعضای گروه موفق شوند. موفقیت جمع موفقیت من است. اگر یک نفر گل بزند، همه می بریم و اگر دروازه بان گل بخورد، همه می بازیم.

همه این ویژگی ها در مسیر تقویت شدن قرار می گیرند. نمی شود گفت بعد از یکی دو ترم یا یکی دو سال، همه این مسائل برایش اتفاق می افتند، بلکه در مسیر تقویت قرار می گیرند. زیرا این ها دانشی مثل ریاضی نیستند که بگوئیم به بچه یاد می دهیم و تمام می شود. ما در حال تمرین کردن این ها هستیم تا از دانش تبدیل به نگرش شود. یعنی این دیگر برای بچه درونی شود که منفعت جمع از منفعت من به عنوان یک فرد مهم تر است و اصلا منفعت من در راستای منفعت جمع قرار می گیرد.

این تفکر مراقبتی است که در واقع تمرین دموکراسی بین بچه ها است. طبق نظریاتی که در فلسفه برای کودکان وجود دارد، چیزی که بچه ها با هم سن و سالانشان در سن کم تمرین کنند، برایشان درونی می شود و به صورت فردی هم می توانند آن را به مرور زمان و در بزرگسالی اجرا کنند. در این تفکر اجتماع محورانه بچه ها به مرور «جمع» و کار جمعی برایشان مهم می شود.»

زنده باد مخالف من!

خیلی از ما زیاد از خودمان سوال نمی پرسیم و در حاشیه امن دانسته های خود زندگی می کنیم؛ زیرا حاضر نیستیم دانسته ای

را در ذهن خود به چالش بکشیم. همین باعث شده نتوانیم درباره هرچیزی فکر کنیم و از خودمان پرسیم کدام نظر درست است؟ ما احتمالاً توانایی تحمل نظرات مخالف خود را هم نداریم و حتی از گفت و گو با همدیگر هم فرار می کنیم. خانم شکیب مهر توضیح می دهد: «پرسشگری چیزی است که ما تاکید داریم بچه ها آن را یاد بگیرند. اگر ما سوال نمی کنیم به این دلیل است که همه چیز برایمان مشخص و چارچوب بندی شده است و حاضر نیستیم چیزی را زیر سوال ببریم. حتی اگر یک وقت کسی داده ای که از قبل داشتیم را زیر سوال ببرد، احساس می کنیم امنیتمان به خطر افتاده. مثلاً من فکر می کنم آدم هایی که چشم های رنگ روشنی دارند، بدجنس هستند و این یک پیشفرض یا خرافه ای است که از محیط گرفته ام. پس وقتی یک آدم با چشم روشن می بینم، دلم نمی خواهد این موضوع را زیر سوال ببرم و مدام دنبال فکت هایی هستم که نظرم را تایید و تقویت کند. اگر چیزی را هم قبول ندارم، مدام دنبال دلایلی برای تایید نظرم می گردم.»

تفکر انتقادی که در بستر فلسفه برای کودکان وجود دارد، به بچه ها این را یاد می دهد که همیشه منصفانه فکر کنند و دنبال رد کردن آنچه که در فکرشان منتفی می دانند یا قبول کردن آنچه که قبول دارند، نگردند. بلکه بتوانند با آغوش باز پذیرای نظرات متفاوت باشند.»

استقلال فکری، ارمغان فلسفه برای کودکان

داشتن تفکر مستقل باعث می شود آزادانه فکر کنیم و نظراتمان در گروه تقلید یا تبعیت از فرد یا افراد خاصی نباشد. این ویژگی از ابتدای زندگی در ما وجود دارد اما اگر در کودکی تقویت نشود، در بزرگسالی آن را از دست خواهیم داد. در همین رابطه خانم شکیب مهر معتقد است: «یک مسئله بسیار مهم که در فلسفه برای کودکان وجود دارد، بحث خود تصحیحی است. بچه ها یاد می گیرند اگر اشتباه دارند، خودشان فکرشان را درست کنند. این هم از تفکر مستقل می آید و هم منجر به تفکر مستقل می شود. یعنی هرکس باتوجه به برداشت هایی که از جمع می کند، دیتاهای مغزی که دارد و همه چیزهایی که از محیطش می گیرد، برای خودش فکر کند، تقلید نکند و نخواهد آن فکر را به دیگران تحمیل کند. همچنین در عین حال که برای خودش فکر می کند، برای رد یا تایید نظریه اش دلیل پیدا می کند، نتیجه می گیرد و با شجاعت نظر خودش را ابراز می کند. این ابراز کردن هم بسیار مهم است. بچه ها در جمع همسالان خود از تجربه هاییشان در مورد یک موضوع فلسفی می گویند و تجربه های دیگران را می شنوند. این باعث می شود متوجه شوند که فقط همین یک نظر در جهان وجود ندارد و در انتهای کلاس می توانند برای خودشان مستقل فکر کنند.»

بعد از این روند به مرور زمان دانش تفکر مستقل برایشان تبدیل به نگرش تفکر مستقل می شود. یعنی می فهمند اینکه یک نفر همگروهی یا دوستم است دلیل نمی شود مثل او فکر کنم. دوستیم ولی من برای خودم فکر می کنم.»

به فکرهای خودمان فکر کنیم

خانم شکیب مهر در ادامه پس از توضیح انواع تفکر مثل تفکر انتقادی، خلاق، مراقبتی و همکاری به نوع دیگری از تفکر نیز اشاره می کند؛ تفکر تاملی! او درباره این نوع از تفکر این طور به ما توضیح می دهد: «تامل یکی از مهم ترین وجه تمایزهای بین انسان و سایر موجودات است که انسان می تواند به فکرهای خودش فکر کند و آن ها را در صورت نیاز بازبینی و اصلاح کند. من به عنوان یک انسان می توانم به فکرهای خودم فکر کنم و درباره کیفیتشان خودم قضاوت کنم. این خیلی مهم است و به بچه ها در شناخت خودشان کمک می کند و باعث می شود آهستگی، تأمل، بررسی اطلاعات و بعد نظر دادن را تمرین کنند. این مسائل منجر به این می شود که بچه ها برای بهتر تصمیم گرفتن، برای طبقه بندی مسائل، قاطی نکردن مسائل با هم و نتیجه اشتباه نگرفتن تمرین کرده باشند. ما خیلی در جامعه می بینیم که آدم ها تصمیمات اشتباه می گیرند. در واقع بدون اینکه اطلاعات کافی داشته باشند نظر می دهند. اصلاً اینقدر تحت تاثیر احساسات قرار می گیرند که تعقلشان پایین می رود. ولی چیزی که در جامعه ما جای خالی است، این است که بچه ها بتوانند به فکر کردن اهمیت بدهند و بدانند یک موجودی هستند که برای تفکر خودشان، خودشان تصمیم می گیرند و کس دیگری نمی تواند و نباید به جای آن ها تصمیم بگیرد. این خودباوری خیلی برای بچه ها مهم است.»

زهره شکیب مهر در انتها به اهمیت یاد گرفتن درست فکر کردن در کودکی اشاره می کند: «اینکه آدم ها نمی توانند درست فکر کنند چون آن را تمرین نکرده اند، چیزی است که در جامعه ما جای خالی است. مهارت های فکری کاملاً تمرین کردنی و آموختنی است و ما می توانیم این هدیه را به نسل بعد از خودمان بدهیم که بتوانند این آچار فرانسه ای که خیلی کارها از آن برمی آید و می تواند هر مسئله ای را تسهیل کند، در کوله پشتی آینده شان بگذاریم که با خودشان به زندگی شان ببرند. فلسفه برای کودکان برای بچه ها از پیش دبستانی تا آخر دوران مدرسه طراحی شده و چیزی که ما می خواهیم این است که تک تک بچه ها در حلقه کندوکاو و حلقه ای که دارند درباره یک موضوع تحقیق می کنند و از تجربه های زیسته شان درباره آن موضوع حرف می زنند، تبدیل به تسهیلگر شوند.»